

سرانجام کشاکش دو طیف راست و چپ  
آینده حزب جمهوری اسلامی را می سازد

## آرایش نیروهای سیاسی در سال 1358

ما از همه آن افراد و جریانات سیاسی که نظر و عمل آن ها منطبق است با برنامه ای که ما مستقلا و برپایه برداشت علمی از اوضاع ایران برای حزب انتخاب کرده ایم، پشتیبانی می کنیم. برنامه ای که ما پیشنهاد کرده ایم، چه برنامه 13 شهریور، چه برنامه پیشنهادی پلنوم شانزدهم و چه برنامه ای که بعد از پلنوم برای کار حزب مطرح کرده ایم، از برنامه هیچ حزب دیگری اقتباس نشده است. این سیاست حزب ماست و ما از آن پیروی می کنیم.

ما معتقدیم که در رابطه با این سیاست، غیر از حزب توده ایران، قاطع ترین موضع را طرفداران راستین آیت الله خمینی در مبارزه علیه امپریالیسم، در مبارزه علیه رژیم ارتجاعی شاه، در مبارزه برای حقوق اکثریت مردم رحمتکش و مبارزه برای آزادی های دموکراتیک، اتخاذ کرده اند. به این ترتیب ما معتقدیم که در شرایط کنونی این نیروها در عمل نزدیک ترین متحدین حزب توده ایران هستند. در میان این سازمان ها، سازمان مجاهدین خلق و گروه های نزدیک به آن در یک سو و حزب جمهوری اسلامی از سوی دیگر قرار گرفته اند.

به نظر حزب، هویت سیاسی و اجتماعی گروه اول نظیر سازمان مجاهدین خلق و گروه ها و سازمان های نزدیک به آن مشخص است و صرفنظر از این یا آن موضع گیری و یا برخورد سیاسی می توان بطور کلی آن ها را در جبهه مشخص ضد امپریالیستی با سمتگیری قاطع علیه امپریالیسم آمریکا- صهیونیسم، جبهه مشخص علیه بازماندگان رژیم سرنگون شده، جبهه مشخص برای بدست آوردن و تامین آزادی های دموکراتیک و بالاخره جبهه مشخص در جهت دفاع از منافع و خواست های خلق های زحمتکش و ستمکش ایران با ماهیت روشن اسلامی قرار دارد.

**درباره حزب جمهوری اسلامی وضع طور دیگری است.** هویت سیاسی و اجتماعی حزب جمهوری اسلامی را تنها در این می توان دید که ادعا می کند از مواضع امام خمینی پیروی می نماید. ولی بررسی ترکیب رهبری و سیاست این حزب نشان می دهد که در این حزب هنوز یکپارچگی سیاسی- ایدئولوژیک- اجتماعی به وجود نیامده و بیشتر در صدد جمع کردن هر چه بیشتر هواداران است. به همین جهت هم در بسیاری از موارد در سیاست این حزب نسبت به همه مسایل اجتماعی اقتصادی- امنیتی، سیاست داخلی، سیاست خارجی، حقوق مردم، سمتگیری هایی که با محتوای اصیل انقلاب ایران در تناقض جدی قرار می گیرد، حکمفرماست.

در دو سوی این سازمان ها، نیروهای فعال سیاسی در سازمان ها و گروه های بیشماری در راست و چپ گرد آمده اند که بخشی از آن ها به شکلی از اشکال خود را هوادار راه امام خمینی و بخش دیگری در مواضع مخالف آن و یا موضعی که کم و بیش مخالف آن است قرار می گیرند. این ها هستند گروه های راست گریان افراطی و چپ گراها،

و چپ گراهای افراطی و چپ نمایان. از جهت سازمانی، این نیروها به طور عمده در چند سازمان متشکل هستند.

سازمان ها و گروه ها و نیروهای چپ و آن هایی که اسم خودشان را چپ می گذارند، طیف رنگینی را تشکیل میدهند. در این طیف از یک سو مبارزان راستین انقلابی که صرفنظر از اشتباهاتشان، صمیمانه خواستار تغییرات بنیادی انقلابی در جامعه ایران هست، مانند سازمان چریک های فدایی خلق جای گرفته اند. از سوی دیگر بازماندگان رژیم سرنگون شده، در ضمن افراد ساواک و گروه های به تمام معنی وابسته به امپریالیسم. در میان گروه های بی شمار دیگر، چپ گرایان و چپ نمایان و مدعیان آزادی و دموکراسی، گروه هایی که افرادشان فریب نظریات انحرافی را خورده اند، مانند مائوئیست ها و یا گروه هایی که اینک مائوئیسم را در حرف نفی می کنند ولی در عمل همان جهت گیری نادرست را ادامه می دهند، و هر روز هم گروه های تازه ای از این ها مثل قارچ از زمین می رویند. با کمال تأسف، با وجود عدم تجانس، این نیروها در بعضی از مسایل در یک جبهه قرار می گیرند که ما آن را به نام «جبهه ضد انقلاب» می خوانیم. ولی ارزیابی ما نسبت به خود این گروه ها بکلی متفاوت است.

ارزیابی ما نسبت به نیروهای سمت راست این طیف، مشخص است. ما آن ها را عوامل امپریالیسم می دانیم. در مورد نیروهای بینابینی این طیف، معتقدیم که آن ها نیروهای گمراهی هستند، ولی از لحاظ طبقاتی این موضع را دارند. در مورد «سازمان چریک های فدایی خلق» نظر ما این است که در این سازمان به طور عمده عناصر صدیق انقلابی گرد آمده اند که از لحاظ سیاسی بسیار کم تجربه اند. ولی با کمال تأسف باید بگوییم که تنها صداقت انقلابی کافی نیست که با آن یک سازمان بتواند در جریان فوق العاده بغرنج سیاسی راه درست را از نادرست تشخیص دهد و نقطه ضعف عمده و اساسی **سازمان چریک های فدایی خلق** هم در همین است که همواره از همان آغاز پدید شدن جنبش چریکی، با برداشت و ارزیابی نادرست از نیروها تقریباً همیشه در **عمده ترین لحظات مبارزه، شیوه های نادرست را انتخاب کرده** و از این راه نیروی مؤثری از جبهه انقلابیون را به هدر داده است.

متأسفانه این ارزیابی بیش از حد بالا و یک طرفه از خود، و تحقیر و تخطئه بیش از اندازه تجربه دیگران، یک بار در سال های رشد جنبش انقلابی ایران، این سازمان را به انزوا کشانید و آنطور که امروز دیده می شود، اگر این شیوه برخورد ادامه پیدا کند، باز هم در دوران آینده تحولات اجتماعی به همان نتیجه خواهد انجامید. این است ارزیابی ما درباره اجزای طیف ناهمگونی که نیروهای فعال سیاسی کنونی ما را در بر می گیرد. کوشش سیاسی ما هم این است که در درجه اول، در گروه نیروهای چپ، بخش های مختلف این طیف ناهمگون را از همدیگر - و در درجه اول، «چریک های فدایی خلق» را از این معجون نامیمون جدا کنیم و برای این که زبان مشترکی با آن ها پیدا کنیم، بکوشیم تا آن ها را از ادامه این تاکتیک اشتباه آمیزی که در پیش گرفته اند، باز داریم، تا نتیجه عمل شان کمک مؤثر و مثبت به جریان واقعی انقلابی باشد. ما در این راه از هیچ اقدامی هم خودداری نمی کنیم و از هر راهی که پیدا بشود سعی می کنیم که برخورد سیاسی سازنده ای با گروه «چریک های فدایی خلق» به وجود آوریم، امیدوار هم هستیم، زیرا تا آنجا که ما اطلاع داریم، نطفه های سالم فکری در درون چریک ها در حال رشد است. این نطفه ها ممکن است که هنوز در رابطه بامسایل داخلی به اندازه کافی نضج نگرفته باشد ولی لاقل در مسایل جهانی پیشرفت محسوسی را در آن می بینیم و با خشنودی و علاقه بسیار آن را دنبال می کنیم. البته امید ما به تنهایی نمی تواند مسئله را حل کند، بلکه عمل مبارزان فدایی هم ضروری است. ولی متأسفانه اینک اشتباهات تاکتیکی آن ها آنقدر نگرانی آور است که ما مجبوریم به آن ها اعلام خطر کنیم و بگوییم که اگر این روش دنبال شود، می تواند حوادث بسیار ناگواری پیش آورد که بدون تردید مسئولیت بسیار سنگین آن به عهده مرتکب شوندهاگان

این اشتباهات است. ما اطلاع دقیق داریم که امپریالیسم، ارتجاع و راست ها هم اکنون با تمام قوا دارند از این اشتباهات بدترین استفاده را می کنند و متأسفانه تا به حال کوشش ما به نتیجه قطعی مثبتی نرسیده است.